

Received: 2024/10/8

Accepted: 2025/2/21

from 151 to 173

Zeinab Poornkavian

Department of Quranic Studies
and Hadith, Faculty of Theology,
Alzahra University, Tehran, Iran.
poornkavian73@gmail.com

Zahra Sarfi

Assistant Professor of Department
of Quranic Studies and Hadith,
Faculty of Theology, Alzahra
University, Tehran, Iran.
sarfi@alzahra.ac.ir

Mohammad Sadeq

Shujaie

Assistant Professor of Psychology,
Mustafa International Research
Institute, Qom, Iran.
S_Shojaei@yahoo.com

Keywords:

Feeling of inferiority, Thematic
analysis, Feeling of inferiority
Component, Feeling of Weakness,
Feeling of Neediness, MAXQDA.

Thematic analysis of Verses and Traditions Related to Human Perception of His Inferiority against God

Abstract

The Feel and Perception of Human Inferiority against God is a Topic that has been Present in Various branches of Islamic sciences and is Considered a Necessary Prerequisite for Entering the Realm of Worshiping God. Given the Importance of the Subject, the Present Research Aims to Develop a Conceptual model of Human Perception of his Inferiority against God in the Ray of Verses and Traditions as authentic Islamic Sources, Answers the Question of what Structure Human Perception and Feeling of Inferiority against God have in the Ray of Verses and Traditions? To Achieve the Desired results, This Study Employs Thematic analysis and the MAXQDA Software to Present a Model of Human Perception of Inferiority against God. The Findings of this Research Include 21 Basic Themes, which are Categorized into 4 Organizing Themes: Components (Feelings of Contempt and Abjectness, Feelings of Weakness and Inability, Feelings of Neediness, Feelings of Being defeat, and Feelings of Default and Shortcoming in Religious Practices), Factors (Knowledge of God, Fear of God, God's Help, Individual Religious Practices, Belief in the Afterlife, Hardships and challenges), Outcomes (Closeness to God, Receiving Rewards, Attracting Kindness and Compassion, Personal Growth, Self sufficient from besides God, Achieving Esteem, Attaining Desires and Removal Hardships and Challenges), and Shackle (Negative Ineffectiveness and Ignorance of the Ugliness of one's Actions).

تحلیل مضمون آیات و روایات مرتبط با ادراک انسان از حقارت خود در برابر خداوند

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۳
از صفحه ۱۵۱ تا صفحه ۱۷۳

چکیده

احساس و ادراک انسان از حقارت خود در برابر خداوند از موضوعاتی است که در شاخه‌های مختلفی از علوم اسلامی وجود داشته و به‌عنوان لازمه‌ی ورود به وادی پرستش خداوند معرفی شده است. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگوی مفهومی ادراک انسان نسبت به حقارت خود در برابر خداوند در آیات و روایات به‌عنوان منابع اصیل اسلامی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که ادراک و احساس حقارت انسان در برابر خداوند در پرتو آیات و روایات چه ساختاری دارد؛ از این‌رو، برای دستیابی به مطلوب با استفاده از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA، به ارائه‌ی الگویی از ادراک حقارت انسان در برابر خداوند پرداخته است. نتایج این پژوهش شامل ۲۱ مضمون پایه است که ذیل ۴ مضمون سازمان‌دهنده قرار می‌گیرند. این مضامین عبارت هستند از: مؤلفه‌ها (احساس خواری و ذلت، احساس ضعف و ناتوانی، احساس نیازمندی، احساس مغلوب شدن و احساس کاستی و کوتاهی در اعمال عبادی)، عوامل (شناخت خداوند، ترس از خداوند، یاری خداوند، اعمال دینی فرد، معادباوری، سختی‌ها و مشکلات)، پیامدها (نزدیکی به خداوند، دریافت پاداش، جلب مهربانی و عطف، رشد شخصیتی، بی‌نیازی از غیرخداوند، دستیابی به عزت، دستیابی به خواسته‌ها و رفع سختی‌ها و مشکلات) و موانع (اثرناپذیری منفی و ناآگاهی از ژستی عمل).

زینب پورکاوین

دکتری علوم قرآن و حدیث،
دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه الزهراء،
تهران، ایران.
poorkavian73@gmail.com

زهرا صرفی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه الزهراء،
تهران، ایران.
sarfi@alzahra.ac.ir

محمدصادق شجاعی

دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت‌علمی
پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم،
ایران.
S_Shojaei@yahoo.com

واژگان کلیدی:

احساس حقارت، تحلیل مضمون،
مؤلفه‌ی احساس حقارت، احساس
نیازمندی، احساس ضعف،
MAXQDA.

۱- بیان مسئله

درک انسان از حقارت خود در برابر خداوند از موضوعات بسیار مهم در منابع اسلامی است، به گونه‌ای که نهایت افتخار انسان و لازمه‌ی ورود به وادی پرستش خداوند معرفی شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸؛ ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۲۵). مشاهده‌ی سیره و تعالیم عرفای اسلامی نیز شخص پیرو را به احساس ذلت در برابر خداوند و ابراز آن می‌رساند؛ مانند سبب هجدهم از اسباب و راهکارهای پیمودن عرفان از دیدگاه علامه بحرالعلوم، تضرع است؛ یعنی فرد هرچه بیشتر به درگاه خداوند اظهار خضوع کند. علامه مصطفوی نیز برای رهایی از انانیت که مرحله‌ی چهارم از سیر عرفانی است، سه راه پیشنهاد می‌دهد؛ راه دوم این است که فرد خدا را وجود نامحدود و ازلی و ابدی ببیند و خود را موجودی از هر نظر محدود و در منتهای عجز، فقر، ضعف و سرتاپا نیاز. برخی از عارفان اسلامی از میان مسائل اخلاقی، انانیت و خودخواهی را از همه خطرناک‌تر می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲-۱۲۷). مفاهیمی مانند فقر، تضرع، خضوع، عجز، ضعف و وابستگی به خداوند و از سوی دیگر، اجتناب از انانیت نشان می‌دهد که در عرفان اسلامی، احساس حقارت نسبت به خداوند نقش بسیار مهمی دارد و عارف حقیقی کسی است که در زمره‌ی احساس حقارت انسان در برابر خداوند قرار می‌گیرد. علاوه بر عرفان ناب اسلامی (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴)، در گروه‌های دیگر که ذیل عرفان اسلامی قرار می‌گیرند، نیز وجود دارد؛ مانند تصوف، به گونه‌ای که تقریباً همه‌ی منابع تصوف از مفهوم فقر گفته‌اند (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰). سلمی (سلمی، ۱۴۰۶، ص ۲۱۶، ۴۱۸ و ۴۴۸)، خواجه عبدالله انصاری (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۶۸، ص ۳۵) و ابن‌عربی (ابن‌عربی، بی‌تا، ص ۱۷) نمونه‌هایی از این موارد هستند.

انسان در آیات قرآن کریم نیز، به‌عنوان منبع دست‌اول و متقن دینی، موجودی نیازمند به خداوند معرفی شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» (فاطر: ۱۵). در آیه‌ی یادشده، همه‌ی انحای فقر منحصر در انسان و همه‌ی انحای بی‌نیازی در خداوند منحصر شده است و چون فقر و غنا دو صفت مقابل یکدیگر هستند، امکان ندارد که چیزی از یکی از آن دو خالی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۳)؛ بنابراین می‌توان گفت، انسان در برابر خداوند فقر محض است، به گونه‌ای که نه‌تنها جان انسان و هستی وی امانت الهی محسوب می‌شود، بلکه برای شناخت خود نیز به خداوند نیازمند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۹۷-۹۸). سلطه‌ی خداوند نیز به‌عنوان نمود دیگری از حقارت انسان، به گونه‌ای است که اگر خداوند اراده‌ی نفع و ضرری برای کسی کند، کسی مانع و جلودار او نخواهد بود: «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٍ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ» (فاطر: ۲). می‌توان یکی از علل بیان چنین حقارت‌هایی در آیات را آگاهی انسان از آن‌ها و ایجاد احساس حقارت در وی دانست.

با توجه به اینکه حقارت انسان در برابر خداوند در دین اسلام، مسئله‌ای مهم شناخته می‌شود و انسان باید از این حقارت درک صحیح داشته باشد و پندار آن را در خود پیرورد، پژوهش حاضر بر آن است تا با هدف شناخت صحیح از احساس حقارت در برابر خداوند، به این پرسش پاسخ دهد که

ادراک و احساس حقارت انسان در برابر خداوند در پرتو آیات و روایات چه ساختاری دارد؛ از این رو، برای دستیابی به مطلوب از روش تحلیل مضمون استفاده کرده است. نگاهی به پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع این مقاله انجام شده است؛ برای نمونه: ۱. پورکاوایان و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مضمون مبانی اسلامی احساس حقارت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، دو نوع احساس حقارت پسندیده و ناپسند را بیان می‌کنند. بخشی از گونه‌ی ممدوح را احساس حقارت بنده در برابر خداوند می‌دانند و به مبانی اسلامی مرتبط با دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی آن می‌پردازند؛ ۲. مقدادیان و توکلی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مفهوم عرفانی فقر در ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه»، بدین نتیجه دست یافتند که دو نوع فقر در این کتاب شریف وجود دارد؛ فقر مذموم به معنای کسب نکردن ثروت به میزان کفایت و فقر ممدوح به معنای کشف فقر ذاتی خویش در برابر خداوند؛ ۳. عبدالعلی شکر (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین معنای فلسفی فقر و غنا در صحیفه‌ی سجادیه» بدین نتیجه دست یافت که از دیدگاه دعا‌های امام سجاد (ع)، فقر از خواص ذاتی مخلوقات و غنا منحصر در خداوند است. وجه نوآوری پژوهش حاضر با پیشینه، در اختصاص یافتن به احساس حقارت انسان در برابر خداوند، دربرگرفتن ابعاد و زوایای مختلف این مفهوم، مراجعه‌ی مستقیم به آیات و روایات و استخراج مضامین از آن‌ها است.

۲- روش تحقیق

مقاله‌ی حاضر با استفاده از فرایند تحلیل مضمون نگارش شده است. تحلیل مضمون فرایندی (روشی) برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است. فرایند تحلیل مضمون را می‌توان در شش مرحله چنین بیان کرد: ۱. آشنایی با داده‌ها؛ ۲. ایجاد کدهای اولیه؛ ۳. جستجوی مضمون‌ها؛ ۴. بازبینی مضمون‌ها؛ ۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها؛ ۶. تهیه‌ی گزارش (کمالی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱-۱۹۲ و ۱۹۵-۲۰۱). مضامین با توجه به مبناهای مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند و عناوین مختلفی دارند. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از شبکه‌ی مضامین استفاده شده است، مضامین چنین نامیده می‌شوند: مضمون پایه که بیان‌کننده‌ی نکته‌ی مهمی در متن است؛ مضمون سازمان‌دهنده که واسطه‌ی میان مضامین پایه و فراگیر است و مضمون فراگیر که در کانون شبکه‌ی مضامین قرار می‌گیرد و ممکن است بیش از یکی باشد؛ اما تعداد آن از مضامین پایه و سازمان‌دهنده کمتر است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰ و ۱۷۰).

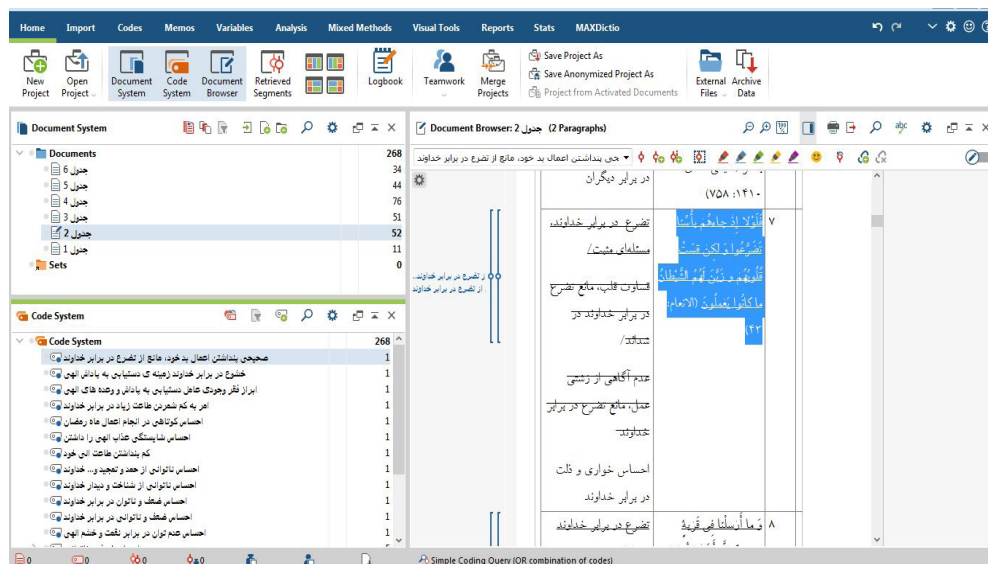
مقاله‌ی حاضر بخشی از پژوهشی است که درباره‌ی احساس حقارت انسان در قرآن و روایات انجام شده است. این بخش تنها بر حقیرپنداری خود در برابر خداوند اختصاص یافته است. بررسی‌های اولیه در این زمینه حاکی از آن است که ریشه‌ی «حقر» نزدیک‌ترین واژه به احساس حقارت در منابع اسلامی است؛ زیرا مصطفوی حقارت را به معنای نقص و کاستی از مقدار معهود برای چیزی معنا کرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۲۰۱)؛ از این رو، برای دستیابی به مطلوب، ابتدا ریشه‌ی «حقر» به‌عنوان پایه قرار گرفت و واژه‌های مترادف و متضاد آن از لغت‌نامه‌های العین، تهذیب اللغة، الصحاح، معجم مقاییس اللغة، مفردات الفاظ القرآن، لسان العرب و التحقیق

فی کلمات القرآن استخراج شد؛ سپس لغات مترادف و متضاد واژه‌های مترادف «حقر» جدا گردید که در نهایت، تعداد ۸۱۰ ریشه به دست آمد. در مرحله بعد، با غربال‌گری، واژه‌هایی که ارتباط بیشتری با ریشه‌ی «حقر» و در منابع منتخب وجود داشتند، برای بررسی موضوع احساس حقارت جدا و استفاده شدند (۹۱ ریشه). جدول شماره ۱ نشان‌دهنده‌ی این واژه‌ها است.

جدول شماره ۱. ریشه‌های مترادف و متضاد با ریشه‌ی «حقر» در منابع لغوی

خسر، خضع، ذلل، صغر، ضرع، ضعف، وضع، عجز، قلال، نقص، هون، خزی، خشع، خفف، ذمم، عیب، قصر، مهن، دخر، ضوع، دنأ، دنو، خنع، زری، عبد، سجد، قنت، قهر، حری، خفض، دحر، رذل، ردأ، قمع، کبت، خوف، بغس، ألت، حمق، دقع، ذأم، سفل، غیض، قمأ، لأم، لکع، نذل، ضحک، لعن، تفه، دوخ، قصم، وغد، ضأل، قزم، ضیق، هزأ، طرد
یسر (یسیر)، قبح (قییح، قبیحة)، عتب (عتب، عاتب)، دفع (یدفع)، کین (استکان)، رغم (الرغم)، ودع (الدعة)، ضیم (الضیم)، فشل (الفشل)، نبذ (النبذ)، بأس (تباؤس)، خسأ (خاسئا)، دمم (دمیم)، دیث (دیث)، ذأب (ذأبته، ذأبه)، سقط (ساقط، سقوط)، لقط (لقیطة)، حسر (محسّر)، نزل (نزول، نزالاً، انزلنی)، هور (هار)، خبت (خبیت)، زهد (زهید)، طرح (یطرح)
عظم، فضل، کبر، کرم، عزز، رفع (رفیع، رفعة)، خطر (خطیر)، کمل (کمال)، زید (زیادة)، تمم (تمام)

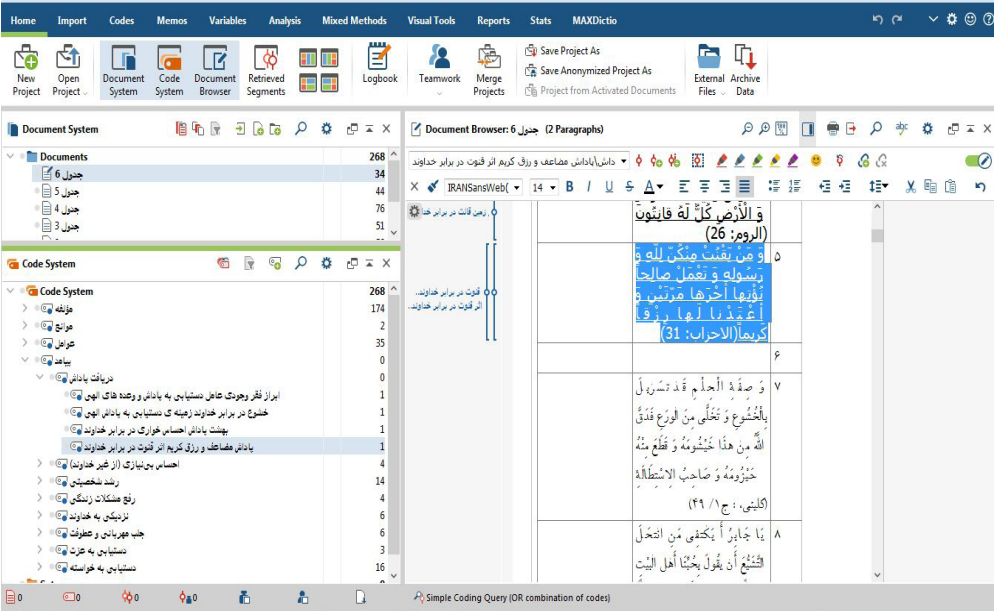
پس از استخراج شواهد با جست‌وجوی ریشه‌ها و واژگان شکل بالا، این شواهد در نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شدند.



شکل شماره ۱. نمونه‌ی کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA

در تشکیل کدها، از مفاهیمی استفاده شد که به صورت مشهود و مکنون به موضوع مرتبط

بودند. در ادامه، از مجموع کدها، مضامین پایه و در سطحی فراتر، مضامین سازمان دهنده تشکیل گردیدند. گفتنی است، معیار تشکیل مضامین پایه با توجه به اتقان و اصالت، داشتن دست کم یک مستند در متن قرآن و در روایات به علت وجود آسیب‌های حدیثی، داشتن دست کم دو مستند است.



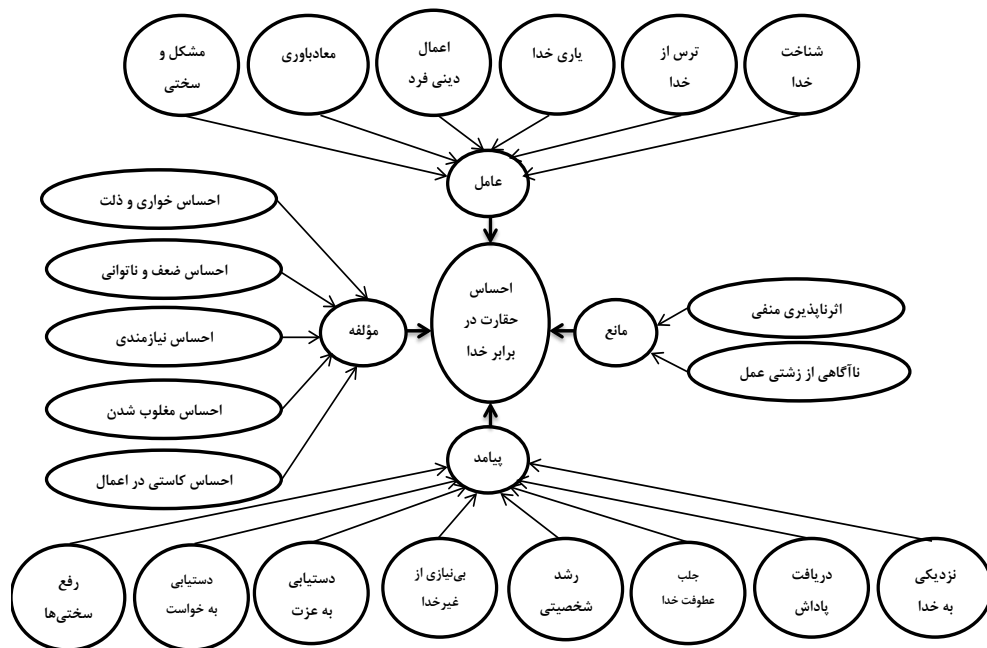
شکل شماره ۲. نمونه‌ی تشکیل مضامین در نرم‌افزار MAXQDA

برای اعتبارسنجی یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون نیز از سه راهبرد استفاده شد: ۱. مرور، کدگذاری و تشکیل مجدد مضامین از سوی پژوهشگر با فاصله‌ی زمانی دو ماه؛ ۲. بررسی مضامین از سوی نویسنده‌ی همکار؛ ۳. ارائه‌ی پشتیبان نظری. جامعه‌ی متنی در روایات نیز عبارت‌اند از: الکافی، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، غررالحکم و دررالکلم و میزان‌الحکمة (به‌عنوان منبع تسهیل‌گر).

۳- تحلیل مضمون مستندات مرتبط با ادراک انسان از حقارت خود در برابر خداوند

در این بخش، گزارشی از تحلیل و دسته‌بندی شواهد و مستندات مستخرج از آیات و جامعه‌ی متنی منتخب در روایات ارائه می‌شود. در ابتدا لازم است بیان شود که می‌توان ادراک و احساس حقارت نسبت به خداوند را با نگاهی کلی به دو گونه‌ی آزادی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۳۶) و غیرارادی (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۸۶) در موجودات عالم تقسیم کرد؛ اما در اینجا بر نوع ارادی آن در انسان تکیه شده است. از تحلیل مضمون شواهد و مستندات استخراج‌شده، تعداد ۲۱ مضمون پایه و ۴ مضمون سازمان دهنده (مؤلفه، عامل، پیامد و مانع)، برای مضمون فراگیر احساس حقارت

در برابر خداوند به دست آمد. تصویر زیر، شبکه‌ی مضامین به‌عنوان ابزاری برای گزارش تحلیل مضمون شواهد قرآنی و روایی مرتبط با ادراک انسان از حقارت خود در برابر خداوند است.



شکل شماره ۳. شبکه‌ی مضامین ادراک انسان از حقارت خود در برابر خداوند

۱-۳- مؤلفه‌های احساس حقارت در برابر خداوند

۱-۱-۳- احساس خواری و ذلت

مؤلفه‌ی اول احساس خواری و ذلت است که به معنای ادراک هرگونه ذلت، پایین‌مرتبتگی، کوچک و کم بودن در برابر آن ذات باری تعالی است. این مؤلفه که پرسامدترین مؤلفه است، مفاهیم مختلفی مانند خسع، ذلل، صغر، حقر، قنت، سجد، رخم، دخر، عبد، تضرع و استکانه را دربرمی‌گیرد که در ادامه، ۴ مورد از مهم‌ترین و پرسامدترین آن‌ها تبیین می‌شود. ریشه‌ی «ذلل» در تضاد با عزت و ترداد با واژگان حسّته، خسع، سهل، قصیر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۵۶-۲۵۹) و استکانه (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۴۵) است و به معنای حالت کوچکی و پستی در مقابل فرد بالاتر از خود است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۳۵۲). نگاهی به دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه نشان می‌دهد که امام سجاد^(ع) در برابر خداوند، جایگاه فرد ذلیلی را برای خود متصور می‌شدند: «فَهَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَقِفْ بِبَابِ عِزِّكَ وَفُوقَ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ» (صحیفه سجادیه: ۱۲) و برای دستیابی به چنین ادراک و مقامی، از خداوند طلب یاری می‌کردند: «وَ دَلَّلْنِي

بَيْنَ يَدَيْكَ» (صحیفه سجادیه: ۴۷).

ریشه‌ی «خضع» را تواضع همراه با تسلیم بیان کرده‌اند، به گونه‌ای که مرتبه‌ای فراتر از تواضع است و به سوی ذلت و استکانت می‌رود؛ به معنای رضایت به ذلت (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۸۷). روایات نشان می‌دهد که همه‌ی موجودات عالم در برابر خداوند مقام خضوع دارند: «كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لِلَّهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۹). علاوه بر این، در سیره‌ی معصوم نیز خضوع به گونه‌ی ارادی مشاهده می‌شود، چنانکه امام رضا^(ع) هنگام خطبه‌ی عقد، در دعایی این خضوع را اظهار می‌کنند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خُضُوعاً لِعِزَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۴). در جای دیگری از صحیفه‌ی سجادیه نیز، علاوه بر اظهار ذلت در برابر خداوند، آن حضرت با استفاده از دو مفهوم خاضع و راغم نیز، احساس خواری و ذلت خود در برابر خداوند را به دیگران آموزش می‌دهند: «فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ» (صحیفه سجادیه: ۵۰).

ریشه‌ی «خضع» مفهوم بعدی ذیل این مؤلفه است. این ریشه در برابر مفهوم بلند و مرتفع قرار دارد؛ در مقابل کسی که بالا است و بالاتر از او وجود ندارد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶، ص ۳۳۸). برخی نیز آن را به معنای خضوع دانسته‌اند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۲۰۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۷۱). خضوع مقامی است که هم خداوند به حضرت موسی^(ع) برای دست یافتن به آن امر می‌فرماید: «كُنْ عِنْدَ ذِكْرِي خَاشِعاً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۷) و هم به تبع، از سوی معصوم^(ع) امر می‌شود، چنانکه امام علی^(ع) در نامه‌ای به فرزند خود چنین توصیه‌ای می‌نماید: «أَنْتَ هُدَيْتَ لِقَصْدِكَ فَكُنْ أَحْشَعَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ» (نهج‌البلاغه، نامه: ۳۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۹۰). علاوه بر امر و توصیه به دیگران، خود آن حضرات نیز بدان عامل بودند: «أَسْأَلُكَ [...] وَ عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ» (صحیفه سجادیه: ۵۴)، چنانکه امام سجاد^(ع) در عبارت یادشده، برای دستیابی به خضوع در عبادت خداوند، دست به دعا برمی‌دارد و از خداوند این مقام را درخواست می‌فرماید.

«تضرع» از دیگر مفاهیم ذیل این مؤلفه است. این واژه که در لغت به معنای اظهار ضعف و ذلت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۰۶)، از ریشه‌ی «ضرع» به معنای تذلل همراه با درخواست حاجتی (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۲۸) مشتق شده است. در اصطلاح نیز آن را امری قلبی و به حالت احساس کوچکی و درماندگی معنا کرده‌اند. در واقع، احساس کوچکی و درماندگی است که منشأ اشک و زاری می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۶۴). در روایت نیز به بالا بردن دست‌ها و خواندن خداوند معنا شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۱)؛ گرچه برخی این مسئله را مصداقی از تضرع بیان کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۸۷). آیاتی از قرآن افراد را به خواندن متضرعانه‌ی خداوند امر می‌کند؛ برای نمونه: «وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ» (الاعراف: ۲۰۵). این مسئله به اندازه‌ای اهمیت دارد که خداوند برای تضرع افراد نامؤمن، آنان را به سختی‌ها و مشکلاتی مبتلا می‌کند تا به واسطه‌ی آن به درگاه خداوند تضرع نمایند (الاعراف: ۹۴). نمونه‌های بیان‌شده تنها موارد محدودی از مفاهیم و مستندات بودند که ذیل

این مؤلفه قرار می‌گیرند.

۳-۱-۲- احساس ضعف و ناتوانی

مؤلفه‌ی دوم احساس ضعف و ناتوانی است که مفاهیم ضعف، عجز، بی‌طاقت و قدرت را شامل می‌شود. قرآن کریم با بیان گفت‌وگوی جَبَّان با یکدیگر، عجز و ناتوانی مخلوقات را یادآور می‌گردد: «أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» (جن: ۱۲). ریشه‌ی «عجز» به معنای ضعف (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۳۲) و در مقابل قدرت است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴۳). در تفسیر دو نوع عجز در آیه گفته‌اند که منظور فرار در زمین و آسمان است و «ظَنَنَّا» در آیه نیز به معنای یقین است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۲۷). در روایات دیگر نیز، خداوند موجودی معرفی شده است که اوهام از دستیابی به ذات او محدود و افهام از فهم کیفیت او ناتوان هستند و دیدگان نیز قابلیت مشاهده‌ی او را ندارند: «أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ» (صحیفه سجادیه: ۴۷). علاوه بر این، ذهن‌های وصف‌کنندگان از وصف نعمت‌های خداوند نیز ناتوان هستند (همان: ۱). ریشه‌ی «ضعف» که در لغت خلاف نیرو (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۱)، چه در امور مادی چه معنوی (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۳۱) است، از دیگر مفاهیم ذیل مؤلفه‌ی حاضر است، چنانکه امام سجاد^(ع) خود را در مواجهه با خشم خداوند، ضعیف می‌داند: «وَ ضَعُفْتُ عَنْ عَضْبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي» (صحیفه سجادیه: ۲۱). آن حضرت علاوه بر کم‌طاقتی در برابر غضب خداوند، نیروی اندک خود در برابر عذاب را نیز ابراز می‌کند (همان: ۳۹).

۳-۱-۳- احساس نیازمندی

مؤلفه‌ی سوم احساس نیازمندی است که شامل درک انسان از هرگونه نیاز و وابستگی خود به خداوند می‌شود. نیاز انسان به خداوند مسئله‌ای است که در ذات او نهفته است، چنانکه فلسفه‌ی اسلامی آن را در مسئله‌ی وجود و جویی و امکانی و علیت بیان می‌کند (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۳۷-۳۸؛ خواجه نصیرالدین طوسی، بی‌تا، ص ۱۰۱) و بیان آن ذیل مسئله‌ی فقر در عرفان اسلامی نیز گذشت. واژگانی مانند «حاجة»، «فقر» و «فاقة» در آیات و روایات بیان‌کننده‌ی این مؤلفه هستند. در سیره‌ی امام سجاد^(ع) مشاهده می‌شود که آن حضرت زمان حاجت، از خداوند درخواست می‌کند و از خضوع و تضرع در برابر دیگران روی گردانند: «أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ، وَ لَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَاثَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ» (صحیفه سجادیه: ۲۰). «حاجة» مفهومی است که از دیدن نقصی در امر مادی یا نظر یا صفتی منبعث می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۵۵)؛ همچنین آن حضرت خود را فقیرترین فقیران نسبت به خداوند معرفی می‌کند و درخواست می‌نماید که حاجتشان را به وسع خود دفع کند: «أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ» (صحیفه سجادیه: ۱۰) و از خداوند برای بیشتر شدن مقام فقر و فاقه در برابرش یاری می‌طلبند (همان: ۴۷). «فقر» مفهومی مقابل غنا، به معنای صاحب مال و

نیروی مادی و معنوی نبودن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۵۵). «فاقه» نیز به معنای حاجت است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۲۵)؛ بنابراین، در هر سه مفهوم بیان شده، نیاز انسان وجود دارد؛ از این رو، مستندات بیان شده از آنجاکه سیره‌ی امام^(ع) هستند، نشان می‌دهند که احساس نیازمندی به خداوند مسئله‌ای ممدوح است و افراد باید بدان علم داشته باشند و چنین ادراکی را در خود پرورند؛ همچنین روایت بیان می‌کند که خداوند نیز به پیامبران امر فرمود که در برابرش احساس فقر نمایند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۵)، چنانکه چنین توصیه‌ای از سوی شارع به افراد دیگر نیز شده است همان، ج ۸، ص ۴۴).

۳-۱-۴- احساس مغلوب شدن

مؤلفه‌ی چهارم احساس مغلوب شدن است که به معنای درک هرگونه غلبه و تحت سیطره‌ی الهی بودن است. غلبه‌ی خداوند بر بشر و همه‌ی جهان در جای‌جای آیات و روایات و به گونه‌های مختلف دیده می‌شود. مواردی که خداوند در آن سلطان معرفی شده است (الرحمن: ۳۳) و مواردی که ایجاد را متوقف بر اراده‌ی خداوند می‌دانند (یس: ۸۳)، نمونه‌هایی از آن‌ها است. گوشزد این ویژگی خداوند از سوی شارع به انسان، برای آگاهی او و عاملی برای ایجاد چنین ادراک و احساسی در او است. علاوه بر این، مواردی نیز وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی ادراک و احساس مغلوب خداوند بودن در انسان است؛ برای نمونه، معصوم^(ع) خداوند را به گونه‌ای وصف می‌فرماید که همه‌چیز مغلوب درگاهش است: «وَ بَعْرَتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ» (همان، ج ۴، ص ۷۲). ریشه‌ی «قهر» بر غلبه و علو دلالت می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۲۵۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۵). این نوع وصف نشان می‌دهد که امام^(ع) به عنوان عضوی از «کُلِّ شَيْءٍ»، احساس مغلوب خداوند بودن را دارند. از دیگر روایات که می‌توان از آن چنین استنباطی کرد، مواردی است که امام^(ع) ابراز می‌کنند اگر خداوند مسئله‌ای را برای او بخواهد، کسی توان رفع و از بین بردن آن را ندارد: «أَوْ مَنْ أَمَلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَضْرِبُ هَوَانَهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۱). این عبارات نشان می‌دهد که نه تنها امام^(ع) به غلبه‌ی خواست خداوند بر خود واقف هستند، بلکه چنین غلبه‌ای بر دیگران را نیز جاری می‌دانند؛ زیرا آنان نیز هرچه تلاش کنند، توان تغییر آن خواست الهی را ندارند.

۳-۱-۵- احساس کوتاهی و کاستی در اعمال عبادی

مؤلفه‌ی پنجم احساس کوتاهی و کاستی در اعمال عبادی است. این مؤلفه به چند محور تقسیم می‌شود؛ محور اول خروج نکردن از حد تقصیر است. در سیره‌ی معصومین^(ع) مشاهده می‌شود که آن حضرات به کوتاهی و قصور خود در برابر خداوند اقرار می‌کردند: «وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَيَّ تَقْصِيرٍ، وَ أَدْبَانَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ» (صحیفه سجاده: ۴۵) و همچنین به فرزند، «يَا بَنِي عَلِيٍّ بِالْجِدِّ لَا تَخْرُجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ طَاعَتِهِ» (همان، ص ۷۲) و اصحاب خود، «يَا جَابِرُ لَا أَخْرَجَكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَ [لَا] التَّقْصِيرِ» (همان،

ص ۷۳) نیز سفارش می‌نمودند. خروج نکردن از حدّ تقصیر بدین معنا است که افراد اعمال دینی خود را ناقص و همراه با کاستی ببینند (همان، ص ۷۳). این محور علاوه بر احساس کوتاهی در انجام افعال عبادی و شناخت نعمات، در شکر الهی نیز است (صحیفه سجاده: ۲۲). کم‌شمردن اعمال نیک خود از محورهای دیگر این مؤلفه است: «و یَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۳). تفاوت این محور با محور پیشین در این است که در آنجا فرد باید حقیقتاً اعمال خود را ناقص و با کاستی بداند؛ اما در این محور ممکن است اعمال شخص فراوان هم باشد؛ اما توصیه شده است که کم‌بیند: «وَ اسْتَقِلَّ الْخَيْرِ وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي» (صحیفه سجاده: ۲۰). در جای دیگری نیز، امام (ع) اعمال خود را ضعیف می‌شمارد: «وَ اَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا» (همان: ۳۲) و به اندازه‌ای کم می‌دانند که استحقاق عفو خداوند را ندارند: «وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوُكَ» (همان: ۲۰).

۲-۳- عوامل احساس حقارت در برابر خداوند

شناخت خداوند، ترس از خداوند، یاری خداوند، اعمال دینی فرد، معادباوری و مشکلات و سختی‌ها به‌عنوان مضامین پایه‌ی ذیل مضمون سازمان‌دهنده‌ی عوامل استخراج شدند که در ادامه تبیین هریک می‌آید.

۲-۳-۱- شناخت خداوند: بدین شرح که معرفت خداوند و قرب به او دو عامل مهم ایجاد چنین احساس حقارتی در افراد هستند. هرچه خداوند در اندیشه‌ی فردی بزرگ‌تر به‌نظر آید، در درون خود احساس حقارت و کوچکی بیشتری می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶). فردی که برتری و عظمت خداوند را بشناسد، خود را بزرگ جلوه می‌دهد و خودبزرگ‌بینی از قلب وی رخت برمی‌بندد: «لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَطَّمَ»؛ در برابرش متواضع است و احساس خواری و ذلت دارد؛ زیرا چنین فردی بلندمرتبتگی و عزت خود را در گرو تواضع و ذلت در برابر خداوند می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۹۰). در روایت، احساس خواری و ذلت در برابر خداوند بدون شناخت برتری وی غیرممکن بیان شده است: «يَا مُوسَى كَيْفَ تَخْشَعُ لِي خَلِيقَةً لَا تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا» (همان، ص ۴۶)؛ همچنین موارد متعددی در مستندات دینی وجود دارد که به احساس حقارت در برابر عظمت و بزرگی خداوند اشاره می‌کند: «وَ اَسَارَى ذَلَّةٍ لِعَظَمَتِي» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۲) و «وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۴). اگر کسی بخواهد در برابر عظمت خداوند احساس حقارت داشته باشد، شناخت بزرگی و برتری خداوند لازمه‌ی آن است. در حقیقت، کسی که خداوند را به عظمت بشناسد، خود را بسیار کوچک و ضعیف می‌بیند و هرگز پای خود را از مسیر عبودیت بیرون نمی‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۱۰۶). هنگامی که فرد بدین شناخت دست‌یافت، سنجیدن خود در حریم کبریای الهی موجب احساس حقارت در فرد می‌گردد. بدین سبب، خشوع عقلی در برابر خداوند، نخست با تپش و لرزش همراه است؛ اما هرچه این خشوع تداوم یابد، به آرامش تبدیل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۹۷). شناخت قوّت

بیشتر خداوند نیز سبب ایجاد چنین احساسی می‌گردد (فصلت: ۱۵).

۲-۲-۳- ترس از خداوند: مفهوم ترس در آیات و روایات با واژگانی مانند خوف، جبن، خشية و وجل وجود دارد. شارع ترس را به‌عنوان عامل احساس حقارت معرفی می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (الحشر: ۲۱). اگر قرآن به‌جای قلب انسان بر کوهی نازل شده بود، آن کوه از ترس خداوند، خاشع می‌شد و علت این خشوع در کوه «خَشْيَةِ اللَّهِ» بیان شده است. «خشية» در لغت به معنای ترس، ترس آمیخته با تعالی، مراقبه و پیشگیری همراه با ترس است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۸۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۸۳؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۷۲). حال با استفاده از اصل عقلانی کردن پدیده‌ها می‌توان آیه را برای بشر به‌کار برد؛ بدین معنا که ترس از خداوند عامل خشوع در برابرش است. هرچند با نگاه به آرای برخی از مفسران، ترس از خداوند و احساس حقارت در برابرش تعاملی دو جانبه دارند؛ بدین معنا که خوف از خداوند نیز سرچشمه‌های گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها احساس حقارت در برابر اوست و این خوف از نهایت معرفت خداوند به‌دست می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۱۶۲). در جای دیگری نیز، قرآن بیان می‌کند که گاه سنگ‌ها از «خَشْيَةِ اللَّهِ» فرو می‌ریزند (البقرة: ۷۴).

۳-۲-۳- یاری خداوند: دعا در قرآن به‌عنوان عاملی برای جلب توجه خداوند معرفی شده است (الفرقان: ۷۷) و بندگان بدان امر شده‌اند (غافر: ۶۰)؛ همچنین دعاهای متعددی از سوی افراد و گروه‌های مختلف و در شرایط و موقعیت‌های گوناگونی در قرآن وجود دارد (البقرة: ۱۲۸ و ۲۰۱؛ آل‌عمران: ۸). دستیابی به خواسته نیز از آثار آن بیان شده است (البقرة: ۱۸۶)؛ از این‌رو، شخصی که خواهان احساس حقارت در برابر خداوند است، با استمداد از او می‌تواند بدان دست‌یابد، چنانکه موارد متعددی در صحیفه‌ی سجادیه وجود دارد که امام^(ع) درخواست چنین احساس حقارتی را از خداوند دارند: «وَ دَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ صَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ أَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ» (صحیفه سجادیه: ۴۷) و «اللَّهُمَّ [...] وَ التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعُ لَكَ، وَ الدَّلَّةُ بَيْنَ يَدَيْكَ» (همان: ۴۴). گاه نیز یاری خداوند به شکل وضع عملی عبادی یا ابتلا به سختی‌ها و مشکلات است که تبیین هر یک ذیل مضمون خود می‌آید.

۳-۲-۴- اعمال دینی فرد: عامل اعمال دینی فرد از دو محور بر احساس حقارت و ذلت در برابر خداوند اثر می‌گذارد: الف. انجام اعمال دینی که ابزار و به‌تبع عاملی برای دستیابی افراد به احساس حقارت و خواری در برابر خداوند هستند؛ برای نمونه، در روایات، طاعت خداوند ابزاری برای خضوع، «خَاضِعٌ لِرَبِّهِ بِطَاعَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۰) و ذکر ابزاری برای تضرع و عبادت خداوند، «ثُمَّ خَلِقْهَا وَسَيَلَّةً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ يَتَضَرَّعُونَ بِهَا إِلَيْهِ وَ يُعْبُدُونَهُ وَ هِيَ ذِكْرُهُ» (همان، ج ۱، ص ۱۱۶) بیان شده است. روایاتی نیز وجود دارد که عمل عبادی خاصی را موجب دستیابی به مقام افرادی بیان می‌کند که خود در برابر خداوند خوار و ذلیل می‌پندارند؛ مانند قرائت صد آیه در نماز شب که برای فرد به‌واسطه‌ی آن قنوت در شب نوشته می‌شود (همان، ج ۲، ص ۶۲۲) یا قرائت صد آیه را موجب رسیدن به مقام قنوت و قرائت دوپست آیه را موجب رسیدن به ثواب

خشوع بیان کرده‌اند (همان، ص ۶۱۲). علاوه بر اثبات دستیابی به مقام قنوت و خشوع با قرائت میزان خاصی از قرآن، از این روایت چنین استنباط می‌شود که مقام خشوع از مقام قنوت بالاتر است؛ ب. فرد از اعمالی آگاه باشد که آن را مرتکب شده است و با نگاه دینی گناه و خطا محسوب می‌شود. در واقع، این محور نقطه‌ی مقابل و حاصل خوانشی معکوس از محور پیشین است؛ یعنی احساس خطا و گناه موجب احساس خواری و ذلت در برابر خداوند می‌شود. این مضمون در جای‌جای روایات و به‌طور خاص، صحیفه‌ی سجاده‌ی مشاهده می‌شود. امام (ع) صراحتاً گناهان را عامل احساس حقارت و پستی در برابر خداوند بیان می‌کنند: «فَقَدْ أَقَامْتَنِي - يَا رَبِّ - ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ يَفْتَأُكَ» (صحیفه سجاده: ۳۱).

۳-۲-۵- معادباوری: منظور از معادباوری، باور و اندیشیدن به پایان زندگی دنیوی، گذرا بودن آن و مراجعه‌ی به خداوند و حساب‌رسی است. باور به معاد این فهم را در فرد ایجاد می‌کند که اعمال او حسابی خواهد داشت و نیازمند رحمت و مغفرت خداوند است. این احساس نیاز به بخشش حس فقر روحانی و تواضع در برابر خداوند را تقویت می‌کند. روایت حاکی از آن است که خداوند برگشت انسان و دنیا به‌سوی خود و دربرگرفتن آن به علم خود را به‌عنوان دلیلی برای امر به ذلت و خشوع در هنگام یاد خود بیان می‌کند: «وَ اعْلَمُ أَنَّ دُنْيَاكَ مُؤَدِّيكَ إِلَيَّ وَ أَنِّي أَخَذُكَ بِعِلْمِي فَكُنْ دَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِكْرِي خَاشِعَ الْقَلْبِ حِينَ تَذَكَّرُنِي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۳۶)؛ همچنین آیات الهی نیز معادباوری را عامل خشوع معرفی می‌نمایند: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره: ۴۵-۴۶). علامه طباطبایی در این آیه معادباوری را عامل ایجاد خشوع در انسان بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۲). واژه‌ی «يَظُنُّونَ» گاه به معنی گمان و گاه به معنی یقین است؛ اما معنای ایمان و یقین قطعی داشتن در این آیه ارجح است؛ زیرا ایمان به لقاءالله و بازگشت به‌سوی او حالت خشوع و خداترسی و احساس مسئولیت را در دل انسان زنده می‌کند و این یکی از آثار تربیتی ایمان به معاد است، گرچه این احتمال نیز وجود دارد که معنای گمان دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۶). این اختلاف در معنا تنها بیان‌کننده‌ی میزان اندیشه‌ی آنان درباره‌ی معاد است و تغییری در نتیجه‌ی آن یعنی اثر علم به معاد بر خشوع انسان ندارد. این درحالی است که افراد نامؤمن به زندگی اخروی، با ابتلا به سختی‌ها و مشکلات نیز در برابر خداوند تضرع می‌کنند (مؤمنون: ۷۶-۷۷).

۳-۲-۶- مشکلات و سختی‌ها: خداوند در قرآن، مشکلات و سختی‌ها را به‌عنوان عوامل تضرع بیان می‌کند: «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (الانعام: ۴۲). مشابه این مضمون در آیه‌ی ۹۴ سوره‌ی اعراف نیز وجود دارد. «بِأَسَاءٍ» به معنای شدت و کراهتی است که به‌طور معمول در غیر امور جنگی مانند فقر و قحطی کاربرد دارد. «الضَّرَّاءِ» نیز به معنای بدحالی در روح، جسم یا خارج از آن دو است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۸۹). آیات یادشده بیان می‌کنند که خداوند با نزول سختی‌ها و شدائد بر امت‌های پیشین، شرایط تضرع به درگاهش را فراهم کرد، هرچند افراد در مقابل آن دوگانه عمل می‌کنند. در اینجا «لَعَلَّهُمْ»

نشان می‌دهد که لزوماً افراد با این سختی‌ها دست به تضرع برمی‌دارند. همان‌طور که در عامل پیشین نیز بیان شد، آیه‌ی «وَلَقَدْ أَخَذْنَاَهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (المؤمنون: ۷۶)، به این موضوع مربوط است. مفسران «اسْتَكَانُوا» را به ذلت هنگام سختی (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۷۴)، تواضع و انقیاد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۸۱)، خشوع (ابوالفتح‌رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۴۵) و خضوع (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۴۹) معنا کرده‌اند. احساس حقارت و خواری در برابر خداوند در همه‌ی معانی بیان‌شده وجود دارد؛ بنابراین، از آیه چنین برداشت می‌شود که این افراد با وجود عذاب خداوند نیز، در برابرش احساس و ابراز خواری و ذلت نکردند؛ اما عذاب الهی به‌عنوان سختی و مشکل در زندگی انسان، بر خودپنداره‌ی حقارت در برابر خداوند اثر می‌گذارد. نمونه‌ی موجود در بخش روایات نیز زمانی است که قریش پس از وقوع سیل، قصد بازسازی خانه کعبه را داشتند؛ اما وقتی با کسوف خورشید و مار مواجه شدند، به درگاه خداوند تضرع کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۷).

۳-۳- پیامدهای احساس حقارت در برابر خداوند

نزدیکی به خداوند، دریافت پاداش، جلب مهربانی و عطوفت، رشد شخصیتی، بی‌نیازی از غیر خداوند، دستیابی به عزت، دستیابی به خواسته‌ها و رفع سختی‌ها و مشکلات از پیامدهای احساس حقارت در برابر خداوند است.

۱-۳-۳- نزدیکی به خداوند: احساس حقارت و نزدیکی به خداوند ارتباطی دو سویه دارند؛ بدین معنا که هم نزدیکی به خداوند موجب احساس حقارت در برابرش می‌گردد، چنانکه امام (ع) ذلت شدید و بدون سابقه‌ای را که در برابر خداوند احساس کردند، به‌عنوان نشانه‌ی تصدی مقام امامت بیان می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۱) و هم نزدیکی به خداوند حاصل احساس حقارت در برابرش است. احساس حقارت موجب می‌شود بنده برای نزدیکی به خداوند و تحت ولایتش قرار گرفتن تلاش کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). اثر چنین احساس خواری در نزدیکی و تقرّب به خداوند به‌اندازه‌ای است که علت انتخاب حضرت موسی (ع) به پیامبری بیان‌شده است: «أَنْ يَأْتِيَ مُوسَىٰ إِثْنِي قَلْبُتْ عِبَادِي ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذَلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۳). در مواردی نیز شارع به تقرّب به خداوند با استفاده از احساس حقارت و نمادهای آن امر کرده است: «تَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ بِالسُّجُودِ وَالرُّكُوعِ وَالْخُضُوعِ لِعَظْمَتِهِ وَالْخُشُوعِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۳). علاوه بر ارتباط خضوع و خشوع با احساس حقارت، «سجود» به معنای خضوع تام که جز برای خداوند جایز نیست و «رکوع» به معنای حالت متوسطی از خضوع ظاهری، معنوی یا هر دو (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۶۱)، با احساس حقارت در ارتباط هستند. از سجود و رکوع ظاهری نیز می‌توان به‌عنوان نمادی از احساس ذلت در برابر خداوند یاد کرد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲). در عبارت دیگری، هیچ چیز به‌اندازه‌ی بسیاری سجود و رکوع مایه‌ی تقرّب به خداوند بیان نشده

۱- از آنجاکه این عامل تنها یک کد در بخش روایات داشت، به‌عنوان مضمونی مستقل در عوامل بیان نشد.

است (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ص ۷۹۱). «التَّذَلُّلِ» وَ «الِاسْتِكَانَةِ» در برابر خداوند نیز از دیگر ابزارهای نزدیکی به خداوند بیان شده است (صحیفه سجادیه: ۴۷).

۳-۳-۲- دریافت پاداش: پیامد دوم احساس حقارت در برابر خداوند، دریافت پاداش است. نمونه صریح آن آیه «وَمَنْ يَفْتُنْ مِنْكُمْ لِيَلِّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلَ صَالِحاً نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً» (الاحزاب: ۳۱) است. ریشه «قنت» به معنای خضوع همراه با طاعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۳۰۹). برخی نیز آن را تنها به طاعت برگردانده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ۱۲۹). در برگرفتن مفهوم خضوع نشان وجود احساس حقارت در ریشه «قنت» است. در این آیه، قنوت در برابر خداوند عاملی است که زمینه‌ی دریافت پاداش بسیار از خداوند را فراهم می‌آورد. از آنجاکه برای دریافت پاداش، تنها ادعا کافی نیست و باید همراه عمل باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۴)، به‌عنوان عامل زمینه‌ای بیان شد. درباره‌ی چپستی «رِزْقاً كَرِيماً»، مفسران آرای مختلفی را بیان کردند. برخی با نگاهی کلان، آن را در دنیا و آخرت جاری می‌دانند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۱۸) یا به تعبیر دیگری، همه‌ی مواهب معنوی و مادی را دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۴). گروهی نیز آن را پاداشی بزرگ و انتخابی برتر یا پاداشی تفسیر کرده‌اند که کسی بهتر از آن را نمی‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۶). برخی نیز با نگاهی مصداقی‌تر، آن را بهشت (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۸، ص ۲۹۶)، سالم ماندن از هر آفتی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۶) و ترفیع شأن میان مردم بیان کرده‌اند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۱۸). آنچه از تفاسیر بیان شده و از عبارت آیه به‌دست می‌آید، این است که چنین احساس حقارتی همراه با عمل موجب دریافت پاداشی بسیار و بزرگ می‌گردد. در خطابی از سوی شارع به حضرت عیسی (ع) نیز، خشوع عامل دستیابی به پاداش بیان شده است: «يَا عِيسَى حَقّاً أَقُولُ مَا أَمَنْتُ بِى خَلِيقَةً إِلَّا خَشَعَتْ لى وَ لَا خَشَعَتْ لى إِلَّا رَجَعَتْ تَوَابى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۳۲).

۳-۳-۳- جلب عطوفت و مهربانی خداوند: جلب عطوفت و مهربانی خداوند به خود از دیگر پیامدهای احساس حقارت در برابر خداوند است. خداوند خطاب به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «يَا مُوسَى اَلَنْى كَفَيْك ذُلًّا بَيْنَ يَدَى كَفِعْلِ الْعَبْدِ الْمُسْتَضْرَحِ اِلَى سَيِّدِهِ فَاِنَّكَ اِذَا فَعَلْتَ ذَلِك رُحِمْتَ» (همان، ص ۴۶). در روایت حضرت موسی (ع)، به ابراز خواری و ذلت در برابر خداوند امر شده و در ادامه، علت این امر جلب رحمت خداوند بیان شده است. ریشه «رحم» دلالت بر نرمی، عطوفت و مهربانی دارد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸). علاوه بر این، در موارد متعددی از روایات دیده می‌شود که امام (ع) در قبالتضرعی که به درگاه خداوند دارند، از آن ذات باری تعالی طلب رحم می‌کنند: «فَارْحَمْنَا اِلَيْك» (صحیفه سجادیه: ۱۰) و «وَ لِتَضْرَعى رَاحِمًا» (همان: ۱۳). از مجموع چنین روایاتی می‌توان دریافت که ابراز احساس خواری و ذلت به درگاه خداوند عامل زمینه‌ای برای جلب رحمتش است. این در حالی است که رضایت از نفس مقرون با نارضایتی و خشم خداوند است: «رضاء العبد عن نفسه مقرون بسخط ربّه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۸۹). ریشه «سخط» مخالف رضایت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۱۹۲)، به معنای غضب، غضب شدید مقتضی

عقاب است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۳).

۳-۴-۴- رشد شخصیتی: احساس حقارت بنده در برابر خداوند راهی برای دستیابی به رشد و کمال فردی است. هرچه این احساس بیشتر گردد، مقام معنوی فرد بالاتر می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸) و حجاب خودبینی برداشته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۶). مضمون رشد شخصیتی شامل دو دسته از مستندات دینی می‌گردد؛ الف. مستندات که با رویکرد ایجابی احساس حقارت را عاملی برای رشد و تکامل ویژگی مثبتی در افراد بیان می‌کنند؛ مانند آسان شدن نماز و صبر: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقرة: ۴۵)؛ تکامل عقل: «فَلْيَتَّصَّرْ عِزِّي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يَكْمَلَ عَقْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸). چنانکه عبارت گویای آن است، معصوم^(ع) تضرع در برابر خداوند را موجب تکمیل عقل معرفی می‌کنند؛ فروتنی: «لیخشع لله سبحانه قلبك فممن خشع قلبه خشعت جميع جوارحه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۴۸). در جای دیگر نیز چنین اثری با عبارت «ذلت له الرقاب» (همان، ص ۶۴۸) بیان شده است؛ ب. در مقابل مستندات که احساس حقارت را موجب اصلاح نفس و دوری آن از رذائل اخلاقی بیان می‌کنند، چنانکه در کلام معصوم^(ع)، دوری از حسد به عنوان اثر تضرع در برابر خداوند بیان شده است: «یا هِشَامُ مَنْ أَرَادَ [...] رَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ [...] فَلْيَتَّصَّرْ عِزِّي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸). «حسد» به معنای آرزوی زوال نعمت از مسلمانی دیگر است (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۹)؛ همچنین برای رهایی از وسوسه و افکار نفسانی نیز ابراز حقارت در برابر خداوند ضمن دعا توصیه شده است: «فَإِذَا خِفْتُ وَوَسْوَسَةً أَوْ حَدِيثَ نَفْسٍ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶۱). ریشه‌ی «عبد» چنانکه بیان شد، ذیل مؤلفه‌ی خواری و ذلت قرار می‌گیرد. خواطر نفسانی یا حدیث نفس نیز افکاری هستند که در دل عارض می‌شوند. اگر این افکار ناپسند باشند و به شر دعوت کنند، «وسوسه» نامیده می‌گردند (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۹). بنا بر موارد بیان شده، احساس حقارت و ابراز آن در برابر خداوند یکی از راه‌های دوری از رذیله‌ی اخلاقی حسد و دوری و درمان وسوسه و افکار ناپسند است.

۳-۴-۵- بی‌نیازی از غیرخداوند: در روایت، راه احساس بی‌نیازی ابراز حقارت در برابر خداوند، یعنی تضرع به درگاهش معرفی شده است: «یا هِشَامُ مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِلَا مَالٍ [...] فَلْيَتَّصَّرْ عِزِّي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ». با این استدلال که تضرع سبب تکمیل عقل می‌شود، فرد عاقل قناعت‌پیشه است. قناعت نیز موجب احساس بی‌نیازی در افراد می‌گردد. این در حالی است که اگر کسی به مقدار مورد نیاز خود بسنده نکند، هرگز احساس بی‌نیازی نخواهد داشت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸). مؤید این مطلب روایتی است که احساس خواری و ذلت به عنوان مؤلفه‌ای از مفهوم عبادت را سبب احساس بی‌نیازی فرد بیان می‌کند: «یا ابْنَ آدَمَ تَقَرَّعْ لِعِبَادَتِي أُمَّلاً فَلْيَبْكْ غِنًى» (همان، ج ۲، ص ۸۳). عبادت در اینجا از نوع اختیاری آن است که به معنای بندگی کردن با اختیار، بر اساس عقل و تفکر است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۱۳). در روایت، بی‌نیازی به قلب منسوب شده است. همین مسئله نشان می‌دهد که شخص بی‌نیازی را درون خود احساس می‌کند. امام سجاد^(ع) نیز ابراز خواری و ذلت خود در برابر خداوند را به عنوان زمینه و مقدمه‌ای

برای دستیابی به غنا و بی‌نیازی بیان می‌فرمایند: «وَأَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ» (صحیفه سجادیه: ۱۰). از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، وابستگی به خداوند تکیه بر علم و قدرت مطلق است، چنانکه امام علی^(ع) نمودی واضح از چنین وابستگی به خداوند، در عین استقلال از غیر بودند؛ بنابراین، باید گفت که با نظر به احتیاج ذاتی انسان، هرگز کسی به استقلال حیات موفق نمی‌گردد؛ مگر اینکه وابستگی ذاتی خود به خداوند را دریابد و آن وابستگی را با آگاهی و آزادی عملی کند، چنانکه با وجود سپری شدن زندگی امام علی^(ع) در بالاترین میزان استقلال، اما لحظه‌ای استقلال ذاتی در برابر خداوند احساس نمی‌کردند (جعفری، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۲۳۷).

۳-۳-۶- دستیابی به عزت: بررسی منابع اسلامی حاکی از آن است که احساس خواری در برابر خداوند سبب بلندپایگی و عزت نزد دیگران در محیط اجتماعی می‌گردد. هرچه خداوند نزد فردی بزرگ‌تر به نظر آید، انسان در خود احساس ذلت بیشتری می‌کند و هرچه احساس ذلت بیشتر شد، عزیزتر می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷-۱۵۸). به تعبیر دیگری، وقتی بنده در برابر خداوند احساس ذلت و زبونی کند، به ابعاد مختلف عزت دست می‌یابد (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). «عزت» که به معنای استعلا و برتری نسبت به فرودست خود است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۱۳۷)، بنا بر روایات، از مسیر خضوع در برابر خداوند می‌گذرد: «وَأَعَزَّ مَنْ خَضَعَ لَهُ بِذَلِّ لِكْرَمِك» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۵). در جای دیگری، احساس حقارت در برابر خداوند راه مشترک برای دستیابی به بلندپایگی و عزت نزد دیگران معرفی شده است: «إِعْلَمَنَّ أَنَّهُ لَا عِزَّ لِمَنْ لَا يَتَذَلُّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ لَا رِفْعَةَ لِمَنْ لَمْ يَتَوَاضِعْ لِلَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا» (همان، ج ۸، ص ۲۴۳). در نمونه‌ی بیان شده، سخنی از نزد دیگران بودن چنین بلندمرتبتگی نیامده است؛ اما از استناد به روایاتی که انکسار در خود را که مؤلفه‌ای از احساس حقارت مثبت است، موجب بلندمرتبتگی در برابر دیگران بیان کرده‌اند (همیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۵۳)، می‌توان چنین برداشت نمود که احساس پایین‌مرتبتگی در برابر خداوند و اظهار آن موجب بلندمرتبتگی نزد دیگران می‌شود.

۳-۳-۷- دستیابی به خواسته‌ها: منظور از این پیامد هنگامی است که شخصی نیاز، میل و خواسته‌ای دارد و برای آن، به درگاه خداوند دست به دعا برمی‌دارد و از او طلب می‌کند. در روایت، به‌طور صریح این مسئله بیان شده است: «وَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَدْرِكُوا تَجَاحَ الْحَوَائِجِ عِنْدَ رَبِّهِمْ بِأَفْضَلِ مِنَ الدُّعَاءِ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۴). بر اساس این روایت، برای برآورده شدن حوائج بهترین راه دعا به درگاه خداوند، رغبت به سویش و ابراز خواری و ذلت به درگاهش است؛ همچنین موارد متعددی از کلام معصوم^(ع) نیز وجود دارد که می‌توان از فعل آن حضرات به چنین نتیجه‌ای رسید؛ برای نمونه، «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (همان، ج ۲، ص ۵۴۷). تعدد چنین مواردی در روایات سبب به‌دست آوردن این نتیجه می‌شود که ابراز احساس حقارت در برابر خداوند موجب دستیابی به درخواستی می‌گردد که فرد از خداوند دارد. مواردی که با تضرع و ابراز حقارت از خداوند خواسته می‌شود، طیف و انواع مختلفی از اهداف و خواسته‌ها را شامل می‌گردد که ناامید نشدن، رفع نیازها (صحیفه سجادیه: ۱۰) و دوری از کید شیطان (همان: ۳۲) نمونه‌هایی از آن است. علاوه بر

این، قرآن کریم خشوع حضرت زکریا^(ع) در برابر خداوند را یکی از علل استجابت دعای آن حضرت و اعطای فرزند به ایشان بیان می‌کند: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (الانبیاء: ۹۰).

۳-۸- رفع مشکلات و سختی‌ها: علاوه بر اینکه احساس ذلت و خواری در برابر خداوند عامل زمینه‌ای برای ایجاد رفاه حاصل از دریافت پاداش و دستیابی به خواسته است، به‌طور مکمل، سبب از میان رفتن مشکلات و سختی‌ها نیز می‌شود، چنانکه یکی از درخواست‌ها و دعاهاى ائمه^(ع) دفع بلايا و مشکلات بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶۵). معصوم^(ع) در هنگام بلا و مشکل، به دعا و تضرع به درگاه خداوند توصیه می‌کنند: «فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ زیرا دعا نکردن سبب طولانی شدن مشکلات می‌شود، درحالی‌که دعا موجب رفع آن‌ها می‌گردد (همان، ص ۴۷۱). از معارف نهفته در دعاهاى امام سجاد^(ع) نیز می‌توان به این مضمون دست‌یافت: «و لَا يُنَجِّينِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ» (صحیفه سجادیه: ۴۸). از کلام امام^(ع) برداشت می‌شود که برای نجات از بلا و عذابی که از سوی خداوند در قبال اعمال انسان ایجاد می‌گردد، راهی جز ابراز حقارت به درگاهش وجود ندارد.

۳-۴- موانع احساس حقارت در برابر خداوند

اثرناپذیری منفی و ناآگاهی از زشتی عمل نیز در بیان شارع به‌عنوان موانع چنین احساس حقارتی بیان شده است. همان‌طورکه در بخش عوامل، خداوند با ابتلای ملت‌های گذشته به مشکلات و سختی‌ها، زمینه‌ی ابراز خواری و ذلت در برابر خود را برایشان فراهم کرد؛ اما برخی با وجود این ابتلائات نیز بر راه خود باقی ماندند و به درگاه الهی تضرع نکردند: «وَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الانعام: ۴۳). وجود «لولا» در اول آیه حاکی از آن است که عذری برای تضرع نکردن در برابر خداوند نداشتند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۵۳۴)؛ جز دو علت منفی که هریک به‌عنوان مانعی شناخته می‌شوند: ۱. «قَسَتْ قُلُوبُهُمْ» یا همان قساوت قلب که مخالف نرمی است و معنای نبود تأثر از حرفی که جایگاهش اثرگذاری است یا ملکه‌ی نبود تأثر از درد هم‌نوعان را می‌دهد (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۹۱)؛ از این‌رو، از آیه چنین برداشت می‌شود که آنان به علت صفت سختی قلب و نبود تأثری که در درونشان ایجاد شده باشد، با وجود سختی‌ها و مشکلات وارده، باز هم در برابر خداوند ابراز ذلت و خواری نکردند و دست‌نیاز بر نداشتند؛ ۲. آیه حاکی از آن است که ناآگاهی از زشتی عمل مانعی برای تضرع در برابر خداوند می‌شود: «وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الانعام: ۴۳). زینت دادن شیطان نشان می‌دهد که اعمال گناه‌جزئی از انسان نیستند و از اعمال شیطان و زینت داده‌شده توسط او به‌شمار می‌روند؛ اما آنچه به‌طورکل آیه بیان می‌کند، این است که این افراد چون اعمال خود را صحیح می‌دانستند و از بدی آن آگاهی

نداشتند، مشکلات هم سبب تضرع آنان به درگاه خداوند نشد.

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که به ادراک و احساس حقارت انسان در برابر خداوند به‌عنوان مضمون فراگیر در پرتو آیات و روایات پرداخت، از ۲۱ مضمون پایه ذیل ۴ مضمون سازمان‌دهنده شامل مؤلفه، عامل، پیامد و مانع تشکیل شده است. مؤلفه‌های احساس حقارت در برابر خداوند شامل احساس خواری و ذلت، احساس ضعف و ناتوانی، احساس نیازمندی، احساس مغلوب شدن و احساس کوتاهی و کاستی در اعمال عبادی خود است. احساس خواری و ذلت به معنای ادراک هرگونه ذلت، پایین‌مرتبتگی، کوچک و کم بودن در برابر خداوند است. احساس ضعف و ناتوانی به درک هرگونه ضعف و ناتوانی در برابر خداوند تعریف می‌شود و احساس مغلوب شدن به معنای درک هرگونه غلبه و تحت سیطره‌ی الهی بودن است؛ همچنین احساس کوتاهی و کاستی در اعمال عبادی نیز شامل محورهای خروج نکردن از حد تقصیر و کم‌شمردن اعمال نیک بسیار خود می‌گردد.

عوامل احساس حقارت در برابر خداوند شامل شناخت خداوند، ترس از خداوند، یاری خداوند، اعمال دینی فرد، معادباوری و مشکلات و سختی‌ها می‌شود. نزدیکی به خداوند، دریافت پاداش، جلب مهربانی و عطوفت، رشد شخصیتی، بی‌نیازی از غیرخداوند، دستیابی به عزت، دستیابی به خواسته‌ها و رفع سختی‌ها و مشکلات نیز از پیامدهای احساس حقارت در برابر خداوند است. سه مضمون نزدیکی به خداوند، یاری خداوند/دستیابی به خواسته‌ها و مشکلات و سختی‌ها/رفع مشکلات و سختی‌ها نشان‌دهنده‌ی نقش دوسویه آن‌ها به‌عنوان عامل و پیامد در احساس حقارت نسبت به خداوند است. اثرناپذیری منفی و ناآگاهی از زشتی عمل نیز به‌عنوان دو مانع برای به‌وجود آمدن چنین احساس حقارتی در قرآن بیان شده‌اند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ مصحح: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، نرم افزار جامع الاحادیث.
- صحیفه سجادیه؛ قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش، نرم افزار جامع الاحادیث.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، نرم افزار جامع الاحادیث.
- ابن سینا، ابوعلی حسین؛ الشفاء-الالهیات؛ قم: مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن عربی، محمد بن علی؛ فتوحات المکیه؛ بی جا: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ مصحح: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، نرم افزار قاموس النور.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق، نرم افزار قاموس النور.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ ق، نرم افزار جامع التفاسیر.
- ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، نرم افزار قاموس النور.
- بیرانوند، نسرین؛ آریان، حسین؛ سازماند، فهیمه؛ «تحلیل عرفانی فقر و غنا از دیدگاه عرفانی خواجه عبدالله انصاری و مولانا»؛ عرفان اسلامی، سال ۱۳، شماره ۵۲، ۱۳۹۶ ش.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ مصحح: سید مهدی رجایی؛ قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، نرم افزار جامع الاحادیث.
- جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ چاپ سوم، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ حماسه و عرفان؛ محقق: محمد صفایی؛ چاپ هشتم، قم: اسراء، ۱۳۸۴ ش، نرم افزار مرقوم.
- _____؛ سرچشمه‌ی اندیشه؛ محقق: عباس رحیمیان محقق؛ چاپ پنجم، قم: اسراء، ۱۳۸۵ ش، نرم افزار مرقوم.
- _____؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم (مراحل اخلاق در قرآن)؛ محقق: علی اسلامی؛ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶ ش، نرم افزار مرقوم.
- _____؛ ولایت در قرآن؛ محقق: مصطفی پور؛ قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش، نرم افزار مرقوم.
- _____؛ انسان از آغاز تا انجام؛ محقق: سید مصطفی موسی تبار؛ قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش، نرم افزار مرقوم.
- _____؛ تسنیم؛ محقق: محمد حسین الهی زاده و همکاران؛ قم: اسراء، ۱۳۹۳ ش، نرم افزار مرقوم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ مصحح: احمد عبدالغفور عطار؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق، نرم افزار قاموس النور.
- خواجه عبدالله انصاری؛ صد میدان؛ چاپ چهارم، تهران: زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۶۸.
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن؛ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ بیروت: مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق، نرم‌افزار قاموس النور.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل؛ مصحح: مصطفی حسین احمد؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- سلمی، محمد بن حسین؛ طبقات الصوفیه؛ فاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۰۶ ق.
- طباطبایی، فاطمه؛ یک ساغر از هزار؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹ ش.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران؛ «تحلیل مضمون و شبکه‌ی مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»؛ اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق، نرم‌افزار قاموس النور.
- فضل الله، محمد حسین؛ من وحی القرآن؛ بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق، نرم‌افزار جامع الاحادیث.
- کمالی، یحیی؛ «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»؛ سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
- مدرسی، محمد تقی؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ به سوی تو؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ ش، نرم‌افزار مشکات ۲.
- _____؛ رستگاران؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ ش، نرم‌افزار مشکات ۲.
- _____؛ ره‌توشه؛ چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ ش، نرم‌افزار مشکات ۲.
- _____؛ انسان‌سازی در قرآن؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸ ش، نرم‌افزار مشکات ۲.

- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۳۰ ق، نرم‌افزار قاموس‌النور.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش، نرم‌افزار جامع‌التفاسیر.
- _____؛ عرفان اسلامی؛ قم: امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۵ ش.
- نراقی، ملأ محمد مهدی؛ جامع‌السعادات؛ چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.

